

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داد نورانی

از مجموعه شعر «ساطوری از خشم»

به کارگران انقلابی که قلب شان برای روز جهانی کارگر می تپد

مشعلی بر راه

ای نجات از همه مرگ

موج نامیر و فروزنده و تابنده همیشه

منجی عالم و انسان و زمین

ای تو بر شورش و عصیانگری تابنده نگین

بر روان تو درود

بر روان تو درود

اوج هر عشق و کلام

ماندگار نام تو باید که سرود

گر گها می رقصند

همهمه، هلهله و شادی و شور

در عزای تو چنین جشنی به پاس

مرگ تو رایحه عیش و صفاست

مرگ تو مرگ صداست

آنطرف دلچک و دلال فرنگ

با دهن پارگی، با بی نمکی

میخ آخر به کفن پوش ترا پُتک نمود
که دگر مرد و فسرد
گردن ما دگر از بُرش آن تیغ رهاست
مرگ تو، مرگ بشر
گر که آن مردک دون
بر مزار شهداء
برگِ «تابوت» ترا خاک نمود
نام تو و ز سرِ خون، لاله رُخان پاک نمود
سدرها، بی ترس
زانکه عطر ظفر آوای «گل سرخیها»
در فضاء بال و پری خواهد زد
باز بر گردن آن جنس پلید
خنجری خواهد زد
تو دواى همه درد
مشعل راه بشر
کی نداند که دگر باره، همه باره
تو گلرنگ جهانی
تیغ جوهر زده کارگرانی
عصر در پیچ و خم است
این ندا از تو که بر قامت تاریخ فرو می آید
عصر در پیچ و خم است
تا که چرخ و چکش و داس
تک تکی دور جهان بنماید
آبله دستی ز شر و شور چکش
عرقالود و غمین
آه از سینۀ بشکسته عیان بنماید
آیت تو به جهان، هیبت تو به جهان
زنده جاوید و شکوهنده، شکوهنده، شکوه
پیکر خاکی ابر مرد ترا

گر که سرمایه رسن بست چه باک
بر سرش رسم کفن بست چه باک
بر سر گلبن فیض تو اگر
قهقهه زاغ و زغن بست چه باک
سالها در غل و زنجیر
سالها آهن داغ
گرد بازوی تو پیچیده و پیچیده و پیچیده
مگر پاره نشد؟
وز شرارش همه جا پیکر سرخین تو آکنده نشد؟
پراکنده نشد؟

باز هم باز
وز شمیم نفس آرای دلاویزی تو
کاخ اهریمن سرمایه فرو می ریزد
گر که صد باره کند راست، فرو می ریزد
می ریزد
باز پاریس و کمون
در تب تیغ خود آهنگ و شباهنگ دگر
گردن قلدر سرمایه فرو خواهد بست
خون سرمایه فرو خواهد ریخت
باز آهنگ جهانی ز تن و خون کمون
بر غروب شب سرد
عطر گل کرده ای از شعر و سرود
شفق خواهد بست